



## آثار عتیقه بودائی بامیان

ترجمه جناب احمد علی خان

حجار بلند و سر نشیبی که شهر از جانب شمال بدان منتهی شده بود، استقاله همان جدار سنگی مرتفعی میباشد که کمی بطرف شرق آن طاق‌ها بت‌های بزرگ حفر شده اند. <sup>شکوه</sup> گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

راجع به معابدی که در آن فضای آنرا ساخته شده بودند باستانی معبد شاه قدیمه که محل آن عیناً از روی قصص زوار چینی معلوم می‌شود معلومات زیادی نداریم. احتمالاً آنها هم در مجاورت قدیم‌ترین و عزیزترین معابد یعنی دبر «کانیشکا» معمور بوده اند و مانند آن نحت خرابه‌های مدهر کوه ازین رفته اند. معیناً کمی بطرف شرق بودای ۳۵ متری در وسط مزارع، در محلی که از تاثیر خرابیهای کوه کناره میباشد توده مدوری موجود است که از اجتماع سنگریزه و خاک تشکیل شده، و در حصه فوقانی آن کاوش کنندگان خزائن سوراخ زده اند. این توده سنگ و خاک اصلاً «استوپه» بوده که میتوان آنرا یگانه آثار

عمرانات کاریزی (که در فضای آزاد ساخته شده باشد) بامیان حساب کرد. درها و معابدیکه در جدار سنگی حفر شده اند بمراتب بهترتری محافظه شده اند. معبد شاه قدیمه چنانچه فوقاً متذکر شدیم تحت خرابه های جدار سنگی کاملاً معدوم شده و امروز یارچه های بزرگ احجار آن را پوشانیده است ممکن روزی که دامنه حفریات و کارروائیهای عتیقه شناسی منبسط گشته و در حصص تحتانی پلان بعضی تکه های مجسمه دو ورقه چونه ئی آنرا بیابیم فعلاً همینقدر معلومات داریم که موقعیت آن میان دو بت بزرگ، نزدیکتر به بت ۳۵ متری میباشد و همین معلومات هم برای ما فعلاً مفاد مهمی را حایز است.

پس چون اولین معبد، اولین بت بزرگ، و اولین سمجهای سنگی را کردیم در يك نقطه مجتمع می یابیم و این مطابقت ها هم ابدأ اتفاتی و غیر مترقبه نیست. لذا چنین بنظر می آید که از روی مطابقت های فوق می شود محل و تقریباً ناربخ اولین عمرانات با میان را معین کرد.

اگر خواسته باشیم در روی تطبیقات فوق حدسیاتی زبیم خواهیم گفت اولین معبدی که دریای جدار سنگی ساخته شده بود محض بدین جهت بوده که راهبین و کاریگرانیکه مامور ساختمان و تراشیدن بت ۳۵ متری بودند بلحاظ اینکه کار شان مدت مدیدی میخواست در مجاور محل کار خویش در آن معبد ملتجی شوند و به اساس این نظریه مجسمه بزرگ (مقصد از بت کوچک ۳۵ متری است) و اولین معبد کار « کانشکا » بوده است. معبد « کانشکا » را محض بدینجهت در پای جدار مرتفع ساخته بودند تا از طوفان باد در امن بوده باشد لیکن چیزیکه نمیگذرد که راهبین بفکر می افتند تا از پناه گاهای موجوده استفاده کرده ملجاء های جدیدی در « کنگلومرا » (اختلاط سنگریزه و خاک) نسبتاً

زم که جدار را تشکیل داده حفر کنند و در مقابل شدت و سختی هوای این نواحی مرتفع هندو کس پناه گاهای بهتر تری در سمت داخلی کوهها تاسیس و تعمیر نمایند.

علت اینکه را همین از استعداد طبیعی ساختمان جدار استفاده توانسته آنرا تراش و حجاری و بعد اساس تراش اولین بت عظیم الجثه را نهاده اند ممکن اقدام جوان مردانه کدام اعانه ده بوده باشد چون سطح طاق بت ۳۵ متری غیر منظم و خود بت موصوف کار اول دستی میباشد چنانچه این بت تجربه کمیها از سمج های مجاور آن نیز هویدا میشود (عکس ۱۲ الف) و از طرف دیگر چون موهای بودا هنوز دیده میشود که بطرز یونانی مجمد میباشد، لذا از روی این احتمالات مفهوم میشود که بودای ۳۵ متری و قدیم ترین سمجهای اطرافی آن کمی موخر تر از ساختمان دیر کابیشکا میباشد، بفاصله چند صد متری غرب این بت و دسته سمج های آن در سه طاق دیگری بودای بزرگ ۵۳ متری بادسته سمجهای دیگری برپا و هویدا است. تناسبانی که در ساختمان و تراش این بت مراعات شده معرف قابلیت و مهارت است چنانچه طاق سه گوشه آن که بکمال موزونی تراشید شده حاصل عارفان این نظریه است و مفهوم میشود که حتماً این مجسمه را کاریگران ذی تجربه در یک عصر خیلی تازه تری ساخته اند.

ناظرین وقتی ملاحظه میکنند که یکی از این دو بت عیناً یک ونیم برابر دیگری میباشد شاید بفرافتاده منظور نظر اعانه دهندگان که مائل بودند بیکی آنها یک ونیم برابر دیگری ارتفاع دهند بفهمند. چون ارتفاع حصه عمودی جدار کافی نبود نتوانسته اند اندازه آنرا مضاعف نمایند. تعجب است که « من » بت بزرگ را قدیم تر تصور کرده حال آنکه ترقیبات فوق العاده که ما در ساختمان



بت بزرگ ملاحظه میکنیم قدامت همجواریش با (بت ۳۵ متری) را ثابت میکند و از طرف دیگر چون به خواہشات اعانه دهندگانی که حریص جلب مقام و لیاقت بودند دقت شود هم دلیلی راجع به قدامت بت بزرگ بدست نیاید و چون در معاینه سمج ها امتحان دقیقی بعمل آید البته اگر تردیدی باشد بر طرف خواهد شد، این ملاحظات چشم مارا بحقیقت باز میکند - در صورتیکه قدیم ترین سمج ها بدوربت ۳۵ متری واقع اند طبیعتاً جدیدترین آنها یعنی سمجهائی که طرز ساختمان آنها خیلی بهتر شده و اصول کار آن ترقی کرده اطراف بت ۵۳ متری را احاطه نموده اند. بلی همین طور است و درین مورد تردیدی مجاز نیست. نه تنها بودای ۳۵ متری نسبت به ۵۳ متری قدیم است بلکه میتوان گفت و تصدیق کرد که بین مدت مدیدیکه اولین بت بزرگ ساخته شده و به دومی اقدام نموده اند نسل های متعدد هیکل تراشانی زندگانی کرده و در سمج های بامیان کار و زحمت کشیده اند. چنانچه احتمال میرود اولاً دوتا ازین سه بت نشسته که الآن هم طاق های آنها در صفحه جدار، بین دو بت بزرگ ایستاده بنظر می آیند در پرشور همین مصلحت طولانی ساخته شده باشند (عکس ۱۲ ب - ۱۲ الف) معذالك نباید چنین تصور کرد که سمجهای بامیان در جدار سنگی مرتباً به ترتیب صحیح تاریخی از مشرق بمغرب یعنی از بت ۳۵ متری شروع و جانب بت ۵۳ متری ساخته شده رفته باشند، بلکه سمج هائیکه بدور هر بت عظیم قرار گرفته اند مربوط به دسته سمج های داخلی میباشند که آنها هم بمیل و اراده اعانه دهندگان و با بر طبق کنجایش جای و محل تعمیر شده رفته اند. دسته جات سمج ها بکمال وضاحت معلوم و هویدا است: يك دسته معابد مربوط به بت ۳۵ متری، يك دسته دیگر مشترك به دو بت نشسته و يك دسته نالک منوط به بودای ۵۳ متری میباشد. سومین بت نشسته نه کدام سمجی

بخود مربوط دارد و نه حایز کدام حجره راهب است با این همه در صورتیکه در اطراف بودای ۵۳ متری هیچ يك سنج معاصر بت ۳۵ متری یافت نمیشود در مجاورت قریب بودای ۳۵ متری بعضی دیرها دیده میشود که در عصر بودای ۵۳ متری ساخته شده اند.

بین دو مجسمه بزرگ و کمی در دو طرفه شرقی و غربی آنها يك عده دیرهای ویران سنگی مهمی یافت میشوند که تاریخ ساختمان آنها در چندین قرن منقسم میشود. چون تاریخ ساختمان قدیم ترین سنجهای آنرا معاصر و یا کمی مؤخرتر از عصر سلطنت امپراطور کاندیشکا حساب کنیم به قرن اول مسیحی یا اوائل قرن ۲ نسبت می شود.

سنج های ناتمام و دهلیز هائیکه در حین ساختمان متروک شده دلیل حتمی شده نمیتوانند که این قبیل کارها را تا هنگام مهاجم اسلام یعنی اوائل قرن هشت اجرا میکردند، زیرا از نوشته جات « هولستن » معلوم میشود که در سنه ۶۳۲ چون وارد بامیان شده بود دیر و معابد دره به منتهای آبادی رسیده بودند. اعانه دهندگانی که می بینیم بالای طاق بت ۳۵ متری نمایش یافته اند بلاشبه کسانی اند که این بت شهر و طاق آنرا مرمت کلای نموده اند. این اعانه دهندگان لباس هائی در بر دارند که شبیه است به اشخاص تصاویر « کای زائل » که تاریخ ترسیم آنها را میتوان به قرن هفت نسبت داد. پس از روی این مشاهدات گفته میتوانیم در عصری که اعراب وارد بامیان شده در مقابل مهاجمات آنها ساکنین دره نلف یا مسلمان شدند ممکن هنوز تراشیدن معابد و تزئین آن رائج بود.

نلاوه بر عمرانات خود دره بامیان که اصلاً خیلی ها مهم میباشد، در دره کوچك ككرک که کمی بجانب جنوب شرقی جدار سنگی بت های بزرگ



واقع ( شکل ۱ ) و در دره عمده بامیان مفتوح می شود ، يك دسته معابد دلچسپی وجود دارد که در حصار مرکزی آنها ، در طاقی که سابقاً از تزئینات حجاری و رنگه مزین بودت ۱۰ متری ایستاده است . از البسه چونه‌ئی او جز چند قات که از يك شانہ به شانہ دیگرش فرورفته ( عکس ۱۳ الف ، ب ) چیز دیگر باقی نمانده . سطوح اطراف و ته طاق و دیوار صفائی که مجسمه بر آن تراشیده شده از تزئینات چوئی که بعضی اثرات آن کاملاً شبیه تزئینات بعضی سمیج های مجاور بودای ۵۳ متری میباشد مزین شده بود . احتمال می رود که بودای ککرک معاصر همین سمیج های اخیر الذکر یعنی موخر از بودای ۵۳ متری باشد .

بعضی دبرهای دسته سمیج های ککرک تزئینات رنگه دارند که هنوز بکمال خوبی محافظه شده اند . این تزئینات متنوع شبه آنست که روی صدف یا صفحات مرمر مثبت کرده باشند تزئینات مذکور دوائر کوچکی تشکیل داده اند که بیکدیگر تماس دارند و باین ترتیب تمام سطح دیوارها را پوشانیده اند در مرکز هر دایره يك بودا بصورت نشسته نمایش یافته ، در خالی گاهای بین دوائر ( ۱ ) اشکال استویه نمایش یافته که تقریباً بصورت عمومی به رسمتی که عجلاناً بر یک کشیده و اینها نشان داده ایم ( شکل ۷ ) شباهت دارند . رو بهمرفته تمام اینها معاصر آخرین عمرانات بود يك بامیان میباشد و از طرف دیگر هویدا است که اکبر « کرواستی » Carvasti که غالباً در اجاننا بصورت رنگه یا حجاری شده یافت میشود و اصول چاپ و نایه کاری بودارا روی کار آورده در چه عصری بوده است . با وجودیکه سمیج های دره ککرک خیلی پسانها تراش و حفر شده سزاوار آنست که دقیقانه مطالعه شود ، لیکن چون راه بالا رفتن این سمیج ها خیلی ها دشوار بود ما جز يك دفعه در آن داخل نشده بودیم و از طرف دیگر چون این مسافرت هیئت عتیقه

(۱) مانند استویه ای « کای زابل » ( هیئت پول بلو ) .

شناسی فرانسه مخصوص آن بود تا بالعموم مقامات تاریخی افغانستان را معاینه کند و ضمناً به کشفیات بامیان اقدام شده بود و باز چون در بامیان قسمت مهم عمرانات این دوره عبارت از همان معابد جدار سنگی بت های بزرگ بود و فصل سال هم خیلی گذشته بود نتوانستیم به ترتیبات لازمه که در خور کشفیات و تحقیقات این دوره باشد تثبیت و رزیم . لذا آنچه که سابقاً راجع به تصاویر رنگه جدار بزرگ سنگی متذکر شدیم باز تکرار نموده میگوئیم اقداماتی که تا حال در راه اکتشافات و تحقیقات عتیقه شناسی بامیان بعمل آمده خیلی ها جزئی و جز نشانی از آثار عتیقه این دوره نیست .

ما سمچی را که بعقیده « یاکوت » Yakut « حایز تصاویر تمام پرندگان مخلوقه باشد » نیافتیم . از طرف دیگر ~~بکفر~~ مسافر روسی موسوم به G. Vetchlau ( ژ - و چلاو ) که بامیان را در ۱۹۲۲ معاینه کرده و قصه مسافرتش را ( ۱ ) در مسکو در ۱۹۲۳ شایع نموده نقل میکنند که بقراریات افغانستان در چندین سمیج پجاور بودای ۵۳ متری هنوز تصاویر رنگه وجود دارد . چون هنگام عبور مشارالیه سمیج های مذکور از گندم ملو ، و در آن مهر و لاک بود بمعاینه آنها موافق نشده بود اگر چه راجع به وجود تصاویر و غیره آثار این سمیج ها بما چیزی نگفته اند لیکن همان علتی که نافع اکتشافات « وچلاو » روسی شده بود سد راه ما هم شده ، نتوانستیم در اطاق بزرگی که در ته طاق بت ، بطرف راست یا هایش ، بسطح زمین واقع است داخل شویم زیرا سمیج مذکور تاسقف از جو ملو بود .

« وچلاو » چنین میگوید « دریای بت عظیم مدخل هائی وجود دارد که از انجراهی به سمیج ها رزینه هائی رفته است که منزل نحتانی را به منزل فوقانی



مربوط میکنند. بقرار حکایات بومیان و شهادتهای تجردی معلوم میشود که پله های زبنه از يك نقطه خراب شده که امکان ندارد ازان استفاده کرده . . . . . خودم شخصاً میخواستم اختلافات این معلومات را تحقیق کنم لیکن بدبختانه، سمج های نحتانی از گندم مملو بود و ممکن نشد آنجا داخل شوم، معذالک هنگام مراجعت به روسیه، در تاشکند یک نفر کرئیل افغانی بمن نقل کرد که پنج سال قبل با بعضی رفقای عسکریش با ریسفانی به پله های زبنه مذکور رسیده بود. مشارالیه این را هم بمن گفت که سمج ها خیلی ها بدامنه های کوه پیش رفته اند و عبور آنها اکثرأ معاینه کننده را در مغاطه می اندازد. کرئیل مذکور در دیوارهای بعضی از بن سمجها تصاویری که تا آنوقت محافظه شده بود هم دیده و خوب بخاطر دارد که یکی از آن تصاویر همان داری را نشان میداد که مشغول انداخت تبر بود. علاوه برین در مسکواز کاتب سفارت افغانی شنیده ام که میگفت: زبنه خیلی خطرناک است، و این سمجها راه دیگری از خود ندارند چنانچه همین نظریه را حکایات بومیان تأیید میکنند زیرا ایشان بالای سربت زرک کله های بز کوهی را دیده اند.»

پرونده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دیدن حیوانات بالای سربت زرک <sup>چنین فوق العاده نیست و ما را نیز آنجا دیده</sup> اند البته راهی وجود دارد که توسط آن سربت زرک رسیده اند. بی بزها مانند ما از روی جدار سنگی به دهلیز طواف که به مسطح جمجمه است و به دورا دور طاق رفته است بالاشده اند و غیر از بن هیچ وسیله دیگری مثل زبنه و دهلیز مائل برای صعود آنجا درک نداریم. سابقاً به دهلیز فوق از راه دهلیز دیگری بالایی رفتند که افقاً در زوی جدار سنگی ممتد شده بود و امروز ازان جز پارچه باقی نمانده و باقی در اثر فروربخته گیهای تکه های جدار از بین رفته است. این



دهلیز بطرف غرب به راه رو وسیعی که از ته دره تا بالای طاق بت بزرگ رفته و کنار آن سمج ها واقع است مربوط بوده چنانچه همین راه طبیعی خیلی سهل العبور که بکمال وضاحت بالای نقشه نمره ۹ دیده میشود صورت صعودی را که ما شرح میدهیم تعیین و تدقیق میکنند.

مهندسين و معماران بت بزرگ حقیقه فکر درستی کرده بودند چون ملتفت شدند که اگر دهلیز ساده دنباله همان راه طبیعی ساخته شود عیناً کار زینه صعود و حتی استفاده خوبتری ازان کرده میشود لذا از اخراجات زیاد پول که اصلاً بی فائده و متحمل شدن زحمات شاقه زینه گسی در کوه ابا نموده اند عکس نمره ۳۸ ساختمان راهی را که از آن به سربت بزرگ رفته ایم نشان میدهد. این راه رو که ساختمان آن جاری است بطرف دهلیزی میرود که حصه باقی مانده همان دهلیز صعودی سابقه میباشد چنانچه (شکل ۸) صورت نیم رخ قدیمی حصه فوقانی جدار سنگی را بخط نقطه چین و صورت نیم رخ فعلی کوه و راه رو را بخط کامل نشان میدهد خلاصه گفته میتوانیم که هیئت همان راه قدیمی را کمی عجیب تر کله خیمه انالین بطالعات و رنگی

رتال جامع علوم انسانی

